

حقوق مخاطبان رسانه از منظر فقه شیعی

رضا جعفری^۱

نیما نوروزی^۲

چکیده

گسترش رسانه در به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطی باعث پدید آمدن مباحث حقوقی جدیدی شده است. یکی از این مباحث که از اهمیت زیادی هم برخوردار است حقوق مخاطبان رسانه‌ها است. حقوق مخاطب از مفاهیم مهمی است که همراه با موج سوم، یعنی انقلاب اطلاعات در دنیای ارتباطات ظاهر و به‌عنوان نوع جدیدی از حقوق عمومی شهروندان شکوفا شد. در بحث حقوق مخاطبان رسانه، مخاطبان به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند که مخاطبان خاص، علاوه بر بهره‌برداری از حقوق متعلق به عموم مخاطبان از حقوق و مزایای خاصی نیز بهره‌مند هستند. از آنجاکه این پژوهش مربوط به حقوق مخاطبین عمومی رسانه است، نخست مهم‌ترین مصادیق مربوط به حقوق مخاطبان عام رسانه را از منظر فقهی (مانند حق امنیت، حق حفظ حرمت حریم خصوصی، حق آزادی عقیده و احترام به مقدسات و پرهیز از اهانت به آنها و غیره) مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس از آن نیز حقوق مخاطبان خاص (کودکان و زنان) بررسی خواهند شد. در نهایت به مهم‌ترین مصادیق مربوط به حقوق مخاطبان عام رسانه از منظر حقوق و قوانین (مانند حق دسترسی به اطلاعات صحیح و منع نشر اکاذیب، حق سانسور ننمودن اطلاعات، حق برخورداری از امنیت و غیره) ایران اسلامی پرداخته می‌شود و در انتها نیز حقوق مخاطبان خاص (کودکان و زنان) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

حق مخاطب، رسانه، حریم خصوصی، امنیت، دستیابی به اطلاعات، فقه رسانه.

۱- حوزه علمیه رضوی زنجان، حوزه علمیه قم، ایران

۲- دانشکده فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد هیدج، زنجان، ایران

مقدمه

گسترش رسانه برای به‌کارگیری فناوری‌های ارتباطی با خود نوع جدیدی از مباحث حقوقی پدید آورده است. یکی از این مباحث حقوقی که از اهمیت زیادی برخوردار است بحث حقوق مخاطبان رسانه‌ها است. «حقوق مخاطب» را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخه‌های «حقوق رسانه» در نظر گرفت و با استمداد از تعریف «حقوق رسانه» به تعریف آن پرداخت. اصطلاح «حقوق رسانه» ممکن است به دو معنی استعمال شود که اول، مجموعه قوانین و مقرراتی که بر رسانه‌ها و افراد وابسته به آن حکومت می‌کند و دوم، امتیازها و توانایی‌هایی که قانون برای رسانه‌ها یا افراد فعال در این عرصه به‌رسمیت شناخته است.

حال با عنایت به این دو تعریف می‌توان با اعمال تغییرهایی، تعریف حقوق مخاطب را از آنها استخراج کرد و حقوق مخاطب را این‌چنین تعریف کنیم: منظور از حقوق مخاطب امتیازهایی است که قانون برای مخاطب در نظر می‌گیرد و بر اساس آن، تکالیف و مسئولیت‌هایی بر رسانه‌ها و اصحاب آن بار می‌شود. در پژوهش حاضر سعی شده حقوق مخاطبان عمومی رسانه بررسی شود. لذا از آنجاکه در بحث «حقوق مخاطب» مخاطبان به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شوند، علاوه بر بررسی فقهی و حقوقی حقوق مخاطبان عام رسانه، به بررسی فقهی و حقوقی حقوق مخاطبان خاص رسانه نیز به‌طور مختصر خواهیم پرداخت.

امروزه در عصری که ارتباطات نام گرفته است، حضور رسانه‌های متعدد و متنوع در عرصه‌های مختلف زندگی به امری اجتناب‌ناپذیر بدل گشته و آنچه این تعدد و تنوع را بیش‌ازپیش شکل داده است، مصرف‌کنندگان وسایل ارتباط جمعی (مطبوعات، رادیو، تلویزیون و غیره) هستند که برحسب نیازهای خود به یکی از این منابع روی می‌آورند. وسایل ارتباط جمعی نیز برای جلب انظار و اذهان عمومی و حفظ مخاطبان خود در میدان رقابت رسانه‌ای در تلاش برای پاسخگویی به نیاز آنها و کسب امتیازات و برتری به لحاظ کمی و کیفی هستند.

اینک، افزودن بر مخاطبان، خواست و کوشش عمده دست‌اندرکاران رسانه‌های جمعی است که در نهایت با اهداف مورد انتظار یعنی بهبود وضع اقتصادی رسانه، سهیم شدن در قدرت سیاسی و اصلاح و تغییر وضع موجود درهم‌تنیده شده است؛ بنابراین «حقوق مخاطب» که یکی از مفاهیم شگرفی است که همراه با موج سوم، یعنی انقلاب اطلاعات (انقلاب صنعتی دوم) در دنیای ارتباطات ظاهر و به‌عنوان نوع جدیدی از حقوق عمومی شهروندی شکوفا شد، یکی از موضوع‌های مهم مورد پژوهش در حیطه دانش ارتباطات جمعی است.

در اهمیت و ضرورت رعایت «حقوق مخاطبان» - که در ضرورت طبعش خلاف نیست - همین‌بس که یکی از مهمترین ارکان «اخلاق رسانه‌ای» را همین دانسته‌اند؛ چرا که ارائه پیام از طریق رسانه‌های جمعی با درنظر گرفتن «حقوق فردی» و «منافع عمومی» جامعه، مستلزم رعایت اصولی است که در حوزه رسانه‌های دیداری و شنیداری جایگاه ویژه‌ای دارد و از آن به‌عنوان اخلاق حرفه‌ای تعبیر می‌شود. از سوی دیگر، رسانه نیز برای بقای خود، به رعایت حقوق مخاطب نیازمند است؛ رعایت نکردن حقوق مخاطبان نه تنها به خود رسانه، بلکه به جامعه‌ای که رسانه در آن فعالیت می‌کند نیز لطمه می‌زند که در برخی موارد، این لطمات به‌خاطر ابعاد وسیع پوشش رسانه‌ها بسیار سنگین است؛ بنابراین با توجه به پیشرفت فناوری وسایل ارتباط جمعی و ابزاری مانند اینترنت و فضای مجازی و انواع تارنها و دسترسی آسان مردم به آنها حتی اطفال، و به‌دلیل اینکه این رسانه‌ها ازجمله دلایل بالا رفتن سطح آگاهی تمام مخاطبان می‌شوند و از آنجاکه در آثار فقهی و حقوقی، کمتر به پژوهش و بحث راجع به حقوق مخاطب رسانه پرداخته شده است و خلأ یک اثر منسجم و مستقل در این باب کاملاً احساس می‌شود، لذا ضرورت دارد در این مورد پژوهش مفصلی صورت گیرد.

متأسفانه در مورد حقوق مخاطب رسانه در فقه و حقوق کار منسجم و مستقلی صورت نپذیرفته است و هیچ سابقه منسجمی نمی‌توان برای آن ذکر کرد. لذا با توجه به پیشرفت فناوری و وسایل ارتباط جمعی و ابزاری مثل اینترنت ضرورت دارد در این‌راستا پژوهش مفصلی انجام گیرد.

۱- نگاهی از منظر فقه بر حقوق عام مخاطبان

۱-۱- حق دستیابی به اطلاعات مفید و سازنده

حق دستیابی به اطلاعات مفید و سازنده و منطبق بودن با واقع از دیدگاه آیات و روایات، کسی نباید دانسته مفید خود را کتمان کند و واجب است آن را به دیگران برساند. به خوبی از ذیل آیه ۱۲۲ سوره توبه استفاده می شود که واجب است افرادی که برای یادگیری علوم دینی مهاجرت می کنند پس از فراگیری به منطقه خود بازگردند و دیگران را نیز آگاه کنند.

امام کاظم (علیه السلام) ارائه مطالب سودمند برای مؤمنین را از مهم ترین حقوق آنان دانسته و می فرماید: «انَّ مِنْ أَوْجَبِ حَقِّ أَخِيكَ أَنْ لَا تُكْتِمَهُ شَيْئًا يَنْفَعُهُ لِأَمْرِ دُنْيَاهُ وَلِأَمْرِ آخِرَتِهِ»؛ همانا واجب ترین حق برادرت بر تو آن است که چیزی را که سبب نفع دنیا و آخرت اوست، از او پنهان و پوشیده نداری (مجلسی، ۱۴۰۳ق). در باب ۱۳ از ابواب علم بحارالانوار نیز روایات متعدد با این مضمون آمده است.

نتیجه اینکه در نظام اخلاق رسانه در اسلام، خبررسانی تنها برای جذب مخاطبان نیست؛ بلکه یک وظیفه شرعی برای بالا بردن سطح هوشیاری جامعه است. مردم باید حرف های مختلف را بشنوند تا بهترین آنها را برگزینند و پیروی کنند: فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ...؛ پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آنها خردمندانند. اطلاعات و اخبار بخشی از غذای روح انسان است که زمینه ساز رشد و تعالی یا سقوط او می شود (سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸). آگاهی هر چه بیشتر مردم موجب انتخاب راه درست تر می گردد. جهل یکی از مهم ترین موانع هدایت انسان ها است که «النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا» اینکه «دانستن حق مردم است» در غرب شعار رایجی است که البته مانند بسیاری از حقایق دیگر مورد سوءاستفاده قرار گرفته است؛ ولی در اسلام یک حقیقت انکارناپذیر است (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۸).

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) زیانکارترین مردم کسانی هستند که می توانند حقایق را به دیگران منتقل کنند؛ ولی نمی کنند: «أَخْسَرُ النَّاسِ مَنْ قَدَرَ عَلَى أَنْ يَقُولَ الْحَقَّ وَلَمْ

يَقُلُّ». روایات متعددی با این مضمون آمده که خداوند در قیامت بر دهان مخفی‌کننده حقایق و علوم لجامی از آتش می‌زند (تمیمی آمدی، ۱۳۸۵).

«حق‌مداری» یکی از مهم‌ترین اصولی است که باید در انتقال اخبار مورد توجه قرار گیرد. تأکید فراوان بر صدق و اجتناب از دروغ‌گویی در آیات و روایات، نیازمند توضیح نیست. نکته بسیار مهم و قابل توجه این است که نقطه مقابل صدق و حق‌گرایی، تنها جعل خبر کاملاً غیرواقعی نیست؛ زیرا کمتر پیش می‌آید خبری جعل شود که هیچ نشانه‌ای از واقعیت در آن نباشد. آنچه در این حوزه مهم است مخلوط کردن واقعیت با غیرواقعیت است که در نهایت به پوشیدگی حقیقت می‌انجامد که نمونه آن هر روزه در رسانه‌های غیرمتمتعده مشاهده می‌شود (گرامی، ۱۳۹۰). تدلیس یکی از شگردهای ناپسند منکران قرآن و رسالت است، در قرآن آمده است: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می‌آمیزید و مشتبه می‌کنید (تا دیگران نفهمند و گمراه شوند)، و حقیقت را پوشیده می‌دارید در حالی که می‌دانید» (آل عمران: آیه ۷۱). لبس یعنی القای شبهه و پوشاندن حق با باطل. خداوند تعالی در همین جهت خطاب به مؤمنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوی الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید». در مجمع البحرین آمده است که قول سدید آن است که از هرگونه فسادی سالم باشد (سوره احزاب: آیه ۷۰). یکی از وجوه اصلی فساد در گفتار، مطابق نبودن آن با واقع است. نکته قابل توجه دیگر که در اطلاع‌رسانی به مخاطب باید لحاظ شود، پیروی از قطع و یقین و پیروی نکردن از ظن و گمان است. این مسئله نیز در آیات و روایات فراوانی به چشم می‌خورد. انسان نسبت به گفته‌های خود مسئول است؛ پس نباید بدون دستیابی به علم چیزی بگوید. خداوند در قرآن از تبعیت چیزی که به آن علم نداریم نهی می‌فرماید: «لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» و تبعیت از ظن را یکی از ویژگی‌های منکران و معاندین می‌داند (سوره اسراء: آیه ۳۶)، «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»؛ و افرادی که بدون دلیل و فقط از روی حدس و گمان [معاد را] رد می‌کنند، نفرین مرگ می‌فرستد (سوره انعام، آیه ۱۱۶) و می‌فرماید: «قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ».

رسانه به عنوان واسطه بین مردم و واقعیت‌ها بایستی آینه وفادار رخداد‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... باشد (سوره ناریات: آیه ۱۰). خبرنگار و رسانه در حقیقت امانتدار مردم در دستیابی به اطلاعات هستند و باید این امانت را به خوبی ادا کنند (روزنامه صدای عدالت، ۱۳۸۶). از دیدگاه اسلام، امانت به اشیاء خاصی که شخصی نزد ما به امانت می‌گذارد، اختصاص ندارد؛ بلکه هر چیزی که در اختیار انسان قرار می‌گیرد امانت است و انسان وظیفه دارد از آن مراقبت کند. بارزترین مصداق آن امانت الهی است که خداوند می‌فرماید: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا»؛ ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتاقتند، و از آن هراسیدند؛ اما انسان آن را بر دوش کشید؛ او بسیار ظالم و جاهل بود، چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد» (سوره احزاب: آیه ۷۲). آنچه در بحث رسانه و خبر اهمیت دارد حقایق و علمی است که نزد آدمیان به امانت گذاشته می‌شود و قابل توجه است که در روایات معصومین خیانت در علم، بالاتر از خیانت در اموال معرفی شده و می‌فرمایند: «فَانْ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَسَدٌ مِنْ خِيَانَةِ فِي مَالِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). جالب است که در برخی روایات، صداقت در گفتار و اداء امانت در کنار هم آمده که خبررسانی صحیح و درست مصداق هر دو می‌باشد. پیامبر اکرم در ارائه ملاک شناخت افراد درستکار می‌فرماید: «به فراوانی نمازها و روزه‌ها و حج و افعال نیک و عبادات شبانه آنها ننگرید؛ اما به صداقت در گفتار و پایبندی به اداء امانت از جانب آنها بنگرید» (غفاری، ۱۳۷۲).

بنابراین یکی از حقوق مردم در جامعه اسلامی بر رسانه‌ها این است که از اخبار مفید، لازم و منطبق با مصالح جامعه برخوردار باشند. راهبرد تبلیغاتی اسلام انعکاس آگاهی‌ها و اطلاعات خالص و تحریف‌نشده و واگذاری حق و قدرت انتخاب و تصمیم به مردم است. چرا که اگر مردم نسبت به پدیده‌ها و موضوع‌ها آگاهی و اطلاع نداشته باشند، نسبت به آن قدرت انتخاب نخواهند داشت و بلکه در برابر آن موضع خواهند گرفت. اسلام همواره بر ارائه و انعکاس سالم و صحیح اطلاعات و اخبار و رویدادها به مردم ترغیب و تشویق می‌کند و این را حق مردم در جامعه می‌داند.

۱-۲- حق آزادی عقیده و احترام به مقدسات و پرهیز از اهانت به آنها

همان‌طور که پیشتر نیز گفتیم، رسانه‌ها با همه اجزاء و بخش‌های جامعه ارتباط مستمر و دائمی دارند و از این جهت نمی‌توانند به‌عنوان نهادهای پیشرو و انقلابی، عرف‌های جامعه را نادیده بگیرند. رسانه‌ها می‌توانند تحول ایجاد کنند، اما این تحول باید در چهارچوب سنت‌ها انجام گیرد. لذا در این قسمت به یکی دیگر از حقوق مربوط به شهروندان، که به‌نوعی یکی دیگر از حقوق مخاطبان رسانه محسوب می‌شود، از نظر فقهی خواهیم پرداخت.

ویژگی بزرگ ادیان توحیدی که منشأ الهی دارند، به‌ویژه دین اسلام در این است که می‌خواهد پیروانش با علم، تعقل و تدبر و در کمال آزادی و اختیار دین را پذیرا گردند. اساساً پذیرش کورکورانه، تقلیدی و غیرمحققانه را اموری ناپسند می‌شمارند؛ بنابراین، حق پذیرش دین از حقوق انسان‌ها است که باید در کمال آزادی و اختیار و با علم صورت گیرد. در سنت نبوی و جانشینان بر حق او نیز هرگز ملاحظه نمی‌کنیم که خواسته باشند عقیده خود را به اجبار و تهدید بر دیگران تحمیل کنند، بلکه بر عکس قرآن کریم دستور می‌دهد که مردم را تنها از راه برهان و دلیل روشن و پند و نصیحت نیکو به‌سوی ایمان دعوت کنید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ و یا در برخورد با اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان و بنابر نظر مشهور فقه‌های امامیه زردشتیان هم از اهل کتاب تلقی می‌شوند) (سوره نحل: آیه ۱۲۵). می‌فرماید: «و لاتجادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ با اهل کتاب، جز با بهترین و مؤثرترین روش‌ها بحث و مناظره نکنید (سوره عنکبوت: آیه ۶۶). اساساً روح دین اسلام با خشونت، برخورد متعصبانه، جاهلانه و متحجرانه به نام دین به‌شدت مخالف بوده است و کسی که اندک اطلاعی از قرآن کریم و سنت نبوی و ائمه معصومین داشته باشد، به این حقیقت غیرقابل انکار پی خواهد بود. ازاین‌رو، طبیعی است که در این دین، آزادی عقیده و ابراز عقیده که از عمق ایمان و اعتقاد برخاسته و منشأ الهی داشته باشد، بی‌هیچ تردیدی پذیرفته‌شده و بر آن تأکید می‌گردد (خوئینی، ۱۳۸۶). آزادی در پذیرش عقیده و دین از بدیهی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که خداوند در ذات و طبیعت انسان قرار داده است و هیچ مقامی

این حق را ندارد که بخواهد آن را به انسان هبه و بخشش نموده یا از او سلب نماید (بسته‌نگار، ۱۳۲۴).

آنچه در مسئله آزادی اندیشه و عقیده مهم می‌باشد، نحوه حصول به عقیده است. آموزه‌های دینی راه‌های صحیح حصول را توصیه می‌کند و بدین ترتیب اندیشه برتر برای حصول به عقیده صحیح لازم و ضروری است. علامه طباطبایی بر این باور است انسانی که بر پایه تفکر و اندیشه آزاد باشد و انسانی که با عقل و فکر آزاد و از روی تأمل و تعمق عقیده‌ای را برای خود انتخاب نماید، مورد قبول و پذیرش است، البته این نوع اندیشه و تفکر در آموزه‌های علامه تطابق داشتن با فطرت است، به عبارتی بهتر اینکه دین و آموزه‌های دینی برای آنکه در معارف اسلامی و زیربنایی مردم را گرد یکدیگر جمع کند و بین آنها پیوندی محکم برقرار سازد، بنای خود را بر اساس فطرت و حقیقت نهاده است؛ بنابراین دینی که بر اساس فطرت و حقیقت باشد، موجب می‌شود انسان‌های مختلف از لحاظ فکری و روحی و عقیدتی هم‌رنگ یکدیگر شوند و پیوند ریشه‌ای بین آنها برقرار شود. در نگاه علامه این اولین گام برای ایجاد یک جامعه متحد و به هم پیوسته است (طباطبایی، ۱۳۶۹). البته اندیشه و عقیده گزیدن منوط به قیدی است که آن فرد صفت تفکر را داشته باشد، یعنی هر تفکری که خودش را لایق تفکر و آماده برای بحث و تحقیق می‌داند، آزادی کامل برای فکر کردن در معارف دین و ژرف‌اندیشی برای فهم و نظر در آن را می‌بخشد.

علامه بر این باور است که اعتقاد و ایمان از امور قلبی، و اکراه و اجباربردار نیست و اعتقادات قلبی خود علل و اسباب جداگانه‌ای دارند و با فشار و اجبار جسمی محال است ایمان و باور قلبی در انسان پیدا شود و در تفسیر آیه «لا اکراه فی الدین» را چه به صورت گزاره خبری بدانیم و چه اینکه آن را گزاره انشایی بدانیم، اجباری در اعتقادات و باورها نیست، اگر آیه یک گزاره خبری باشد، در این صورت بیان‌کننده یک واقعیت در جهان هستی و تکوین است و از آن حکم تکوینی حکم دینی و تشریعی به دست می‌آید، مبنی بر اینکه در دین و اعتقاد نباید هیچ‌کس را مجبور کرد و اگر آن را یک حکم انشایی و تشریعی بدانیم کما اینکه دنباله آیه یعنی «قد تبین الرشد من الغی» بر آن دلالت دارد، در این صورت «لا اکراه فی الدین» نهی می‌کند از اینکه اعتقاد و ایمان با اجبار به کسی تحمیل شود.

آیه «فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ» نیز دلالت بر آزادی عقیده می‌کند، این آیه که به صورت یک شعار اسلامی درآمده، آزاداندیشی مسلمانان و انتخاب‌گری آنها در مسائل گوناگون را به خوبی نشان می‌دهد. بسیاری از مذاهب، پیروان خود را از مطالعه و بررسی سخنان دیگران نهی می‌کنند؛ چرا که به دلیل ضعف منطق خویش، از این می‌ترسند که منطق دیگران برتری پیدا کند و پیروانشان را از دستشان بگیرد؛ اما به طوری که در این آیه خواندیم، اسلام بندگان راستین خداوند را کسانی معرفی کرده که اهل تحقیق‌اند، نه از شنیدن سخنان دیگران وحشت دارند، نه تسلیم بی‌قید و شرط می‌شوند و نه هر وسوسه‌ای را می‌پذیرند (سوره زمر: آیه ۱۷ و ۱۸). اسلام به کسانی بشارت می‌دهد که گفتارها را می‌شنوند و خوب‌ترین آنها را برمی‌گزینند. نه تنها خوب را بر بد ترجیح می‌دهند، در میان خوب‌ها هم هر گلی را که بهتر است، می‌چینند. اصولاً مکتبی که دارای منطق نیرومندی است، دلیلی ندارد که از گفته‌های دیگران وحشت داشته باشد و از طرح مسائل آنها هراس به خود راه دهد. آنها باید بترسند که ضعیف و بی‌منطق هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱).

اما باید بگوییم که پایه و اساس دین اسلام مقدسات آن است و سرچشمه همه مقدسات، ذات اقدس الله می‌باشد؛ بنابراین تقدس قرآن مجید، پیامبر گرامی اسلام، انبیای عظام، ائمه اطهار و صدیقه طاهره نشئت گرفته از خدای قدوس می‌باشد. اسلام نه تنها اهانت به مقدسات خود را امری نکوهیده و مستحق مجازات دانسته بلکه خداوند متعال در آیه ۱۰۸ سوره انعام بر عدم اهانت به مقدسات مشرکان چنین تأکید نموده است: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ؛ وَ (شما مؤمنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند».

بنابراین علاوه بر اینکه با کتاب و سنت و اجماع، مجازات اهانت به مقدسات و قتل ساب النبی ثابت می‌شود، عقل نیز ضرورت کیفر توهین به مقدسات را تأیید می‌کند. همان‌طور که دلایل فقهی مجازات ساب النبی را نشان می‌دهد، دلایل عقلی نیز بر لزوم مبارزه با دشنام به نبی تأکید می‌نماید. درواقع شرع و عقل هماهنگ با هم متشرعان و

خردمندان را به مبارزه با اهانت به مقدسات فرامی‌خوانند. البته در متن نصوص قرآنی و حدیثی استدلال عقلی وجود دارد و زشتی جرم ساب النبی با براهین و دلایل عقلی تبیین شده است. از طرفی اهانت سب و دشنام به نبی از ابعاد و جهات متعدد غیرعقلانی است و از راه‌های متعدد به حکم عقل سلیم زشت و محکوم است. دشنام از عقل برنمی‌خیزد و در زمان دشنام خردورزی و اندیشه تعطیل و چراغ عقل خاموش است. از سوی دیگر همین عقل است که انسان‌ها را به مبارزه با اهانت به مقدسات برمی‌انگیزاند و به کیفر دادن و مجازات آنان فرامی‌خواند، به‌طوری‌که فحش و دشنام به انبیاء با عقل تضاد دارد. از این‌روست که اسلام پیروان پیامبر اکرم را از دشنام به خدایان دروغین و معبودهای باطل مشرکان و شخصیت‌های مقدس کفار نیز بازداشته است (سوره انعام: آیه ۱۰۸)؛ بنابراین دشنام به پیامبر از شنیع‌ترین جرم‌ها و زشت‌ترین کارهاست و هرکس ذره‌ای عقل داشته باشد به پیامبران الهی دشنام نمی‌دهد و تنها شخصی که از عقل محروم است و هرگز انتظار خوبی و خیر از او نمی‌رود به پیامبر دشنام می‌دهد، بنابراین اهانت به مقدسات و به‌ویژه اهانت به پیامبر ریشه در رویکردهای غیرعقلانی بشر دارد و از تعقل و خردورزی دور است (جواهری، ۱۳۸۶).

۱-۳- حق حفظ حرمت و کرامت اشخاص و پرهیز از توهین و هتک حرمت آنها

«حقوق شهروندی» بر مبنای «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» (قانون اساسی، اصل ۲) به‌طور قانونی به‌عنوان یکی از پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران تضمین شده است و همه افراد، نهادها و سازمان‌ها، قانوناً موظف به تأمین حقوق همه‌جانبه افراد، با استفاده از همه امکانات خود هستند. در ارتباط با صداوسیما، به‌طور ویژه، تصریح خاص قانونی نسبت به «ارج نهادن به حیثیت انسانی افراد و پرهیز از هتک حرمت آنان طبق ضوابط اسلامی» (قانون مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما، جمهوری اسلامی ایران، ماده ۶) به‌عنوان خط‌مشی کلی و عام این سازمان وجود دارد. لذا دست‌اندرکاران رسانه، به لحاظ حرفه‌ای و قانونی، موظف به رعایت موارد مرتبط با حقوق آزادی‌های بنیادین افراد ملت و اصول مرتبط با آن هستند (پیش‌نویس

راهنمای تولیدکنندگان در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷). رسانه نباید حقوق مرتبط با شخصیت شهروندان را که مشخصاً با حیثیت و کرامت ذاتی آنها پیوند می‌خورد، نقض کند و یا موقعیت‌هایی ایجاد کند که احتمال بروز لطمه به شخصیت، آبرو و حیثیت افراد فراهم آید. این حمایت هم نسبت به جنبه‌های مدنی، اجتماعی و سیاسی شخصیت افراد و هم نسبت به جنبه‌های معنوی، اخلاقی و فکری شخصیت آنها، باید مورد توجه قرار گیرد. اما در مورد جایگاه مقوله کرامت انسانی در اسلام باید گفت که کرامت انسانی را می‌توان دستاوردی فراتر از تلاش‌های سازمان ملل و اعلامیه جهانی حقوق بشر دانست. این مفهوم از سده‌ها پیش در آموزه‌های اسلامی مورد توجه بوده است. در منابع مکتوب به‌جای‌مانده از صدر اسلام می‌توان صحت این ادعا را به‌خوبی دریافت. اسلام به‌عنوان دین اکمل، با توجه به جهان‌بینی خاص خود بسیاری از معارف بشری در خصوص عالم خلقت را ارج نهاده است و ضمن تأکید به لزوم کاربرد آنها در زندگی، جزء اعتقادات خود معرفی کرده است (خرنما، ۱۳۹۰). مهمترین، کهن‌ترین و اصیل‌ترین سندی که از اسلام در مورد کرامت انسانی در دست داریم، کلام‌الله مجید است. سند مکتوب و معتبری که کلام پروردگار را به جایگاه انسان تشریح می‌کند. نمونه‌هایی از آیات قرآن و تفاسیری که از این آیات در بحث کرامت انسانی بیان شده از قرار ذیل است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّا خَلَقْنَا تَفْضِيلاً؛ ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم. آنان را بر مرکب‌هایی در بر و بحر سوار نمودیم، از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و بر بسیاری مخلوقات خود برتری دادیم چه برتری دادنی» (سوره اسراء: آیه ۷۰).

به فرموده این آیه، مقام انسان از بسیاری از موجودات برتر است، اما آیا از فرشتگان هم بالاتر است؟ مفسران در پاسخ این سؤال، سخنان گوناگونی بیان کرده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد که اصلاً آیه مورد بحث به برتری فرشتگان بر انسان‌ها یا بالعکس اشاره‌ای ندارد؛ بلکه تنها درباره برتری انسان‌ها بر حیوانات و گروه جن بحث کرده است، اما در پاسخ این سؤال که مقام یک فرشته برتر است یا انسان، باید گفت که مقام یک فرشته از یک انسان معمولی بالاتر است؛ چرا که آنها در کمال پاکی و طهارت و خلوص نیت به‌سر

می‌برند و از انسانی که خود را از رذایل و ناپاکی‌ها پاک نکرده، بالاترند. اما اگر همین انسان زمینی در مسیر کمالی که خداوند در پیش راه او قرار داده حرکت کند، ممکن است به مقامی برسد که فرشتگان هم به آن مقام نرسیده باشند؛ چنان‌که در قرآن به‌صراحت از خضوع فرشتگان در مقابل حضرت آدم (علیه‌السلام) - که نمونه‌ای از انسان کامل بود - یاد شده است. در روایتی از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «خداوند عزوجل در ملائکه عقل را بدون شهوت نهاد و در حیوانات، شهوت را بدون عقل قرار داد و در آدمیزاد، هر دو را قرار داد. پس هر کس عقلش بر شهوتش چیره شود، از فرشتگان بهتر است و هرکس شهوتش بر عقلش غالب گردد، از حیوانات پست‌تر».

«إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ، فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا» [اینها و آزار بندگان خدا، آزار خداوند و رسول او است]. خدا بر آزاردهندگان خدا و رسولش در دنیا و آخرت لعنت فرستاده است و ایشان را به عذابی سخت وعده می‌دهد» (سوره احزاب: آیه ۵۷).

«لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی؛ هیچ اجبار و اکرامی در دین و پذیرش یا رد آن وجود ندارد، همانا راه تعالی و تباهی آشکار شده است». با توجه به موارد مذکور می‌توان نتایج زیر را به دست آورد:

به نیکی می‌توان موضع شفاف و کاملاً مخالف قرآن را نسبت به آزار و ارباب انسان‌ها دریافت. از بررسی مباحث فوق برمی‌آید که اسلام برخورد به شیوه‌ای که کرامت انسانی را دچار خدشه شود ظلم و تجاوز تلقی می‌کند و مستند آن را نیز قاعده سلطه مردم بر خویش، اصل برائت و مواردی دیگر بیان می‌دارد (سوره بقره: آیه ۲۵۶).

آنچه از طرف شارع مقدس در خصوص آداب معاشرت در جامعه انسانی مورد تأکید و توجه قرار گرفته، به‌کار بردن کلام نیک و پاک و احترام به یکدیگر می‌باشد و سرپیچی از این دستور که موجب اهانت به دیگری می‌شود، حرام و گناه محسوب می‌گردد و مرتکب آن مستحق مجازات است.

در آیه ۱۴۸ سوره نساء می‌فرماید: «خداوند دوست ندارد که کسی به گفتار زشت به عیب خلق صدا بلند کند، مگر آنکه ظلمی به او رسیده باشد ...» و در احادیث نقل شده است که از امام صادق پرسیدند: «در موردی که مردی، مرد دیگر را به غیر از مورد قذف

سب کرده بود، که آن بزرگوار در پاسخ فرمود: تعزیر می‌شود و حتی در موردی که کسی به دیگری بگوید ای فاسق، باز آن امام در جواب فرمودند: حد نمی‌خورد، ولی تعزیر می‌شود (خمینی، ۱۴۲۷ق). شهید ثانی نیز در شرح لمعه چنین می‌گوید: «در مواردی مثل اینکه شخصی به دیگری بگوید ولد حرام، در این موارد عرفاً اقتضای انتساب زنا را ندارد یا در مواردی که به شخص مقابل چیزی بگوید که موجب کراهت و ناخوشایندی او گردد، مثل اینکه بگوید حقیر یا سگ یا خوک، یا بگوید ای فاسق یا ای شارب خمر و امثال اینها، موجب تعزیر مرتکب می‌شود (حرالعالمی، ۱۳۷۳). همچنین در حدیث نبوی نیز آمده است: «حرمت مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است». پس اگر هر مقامی نسبت به افراد شهروند جامعه، ولو مجرم نیز باشد، هتک حرمت و حیثیت نماید، متخلف بوده و قابل مجازات است.

۱-۴- حق حفظ حریم خصوصی

حق حفظ حریم خصوصی یکی دیگر از حقوق مخاطبان رسانه‌هاست که امروزه از قسمت‌های نسبتاً بکر محسوب می‌شود. هر چند نکات بسیار قابل توجهی در حقوق و معارف اسلامی حقیقی (شیعه امامیه) در تبیین این شاخه حقوقی قابل طرح است و قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و بسیاری از منابع امامیه سند این مدعاست. از نظر فقهی حریم خصوصی با عنوان «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» تعبیر شده است (دانی، ۱۳۸۹). اهمیت حریم خصوصی افراد در اسلام، چندان مهم است که می‌توان آیاتی از قرآن را با این مضمون یافت. یکی از آیات مهم و شفاف در این موضوع، آیه ۱۲ از سوره حجرات است که می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ ای اهل ایمان، از بسیاری از پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی از ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز از حال درونی هم تجسس نکنید و به غیبت یکدیگر نپردازید».

صاحب تفسیر المیزان در یک بحث لغوی اشاره دارد که «لا تجسسوا» (کلمه تجسس) به معنای پیگیری و تفحص از امور مردم است؛ اموری که مردم عنایت دارند پنهان بماند

و تو آنها را پیگیری کنی تا آگاه شوی و کلمه «تحسس» نیز همین معنا را می‌دهد، با این تفاوت که تجسس در شرع استعمال می‌شود و تحسس در خیر به کار می‌رود. به همین جهت بعضی گفته‌اند، معنای آیه این است که دنبال عیوب مسلمانان را نگیرید و در این مقام بر نیابید که اموری را که صاحبانش می‌خواهند پوشیده بماند، تو آنها را فاش سازی.

آیه دیگری که می‌توان در بحث حریم خصوصی افراد بدان استناد نمود، آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور است: «یا ایها الذین آمنوا لا تُدْخِلُوا بیوتاً غیر بیوتکم حتّٰی تستأنسوا و تُسلموا علی اهلها ذلکم خیر لکم لعلکم تذكرون. فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتّٰی یؤذنَ لکم و ان قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو اُزکی لکم و الله بما تعملون علیم؛ ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه، مگر خانه‌های خودتان، تا با صاحبش انس ندارید وارد نشوید و چون رخصت یافته داخل شوید، به اهل آن خانه نخست سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یافته، آنگاه درآیید و چون به خانه‌ای درآمدید و گفتند برگردید، بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می‌کنید، داناست».

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۷ آمده است که جمله «تستأنسوا» (نه تستاذنوا) از ماده انس گرفته شده؛ اجازه‌ای توأم با تحیت، لطف، آشنایی و صداقت را می‌رساند و نشان می‌دهد که حتی اجازه گرفتن باید کاملاً مؤدبانه، دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد؛ بنابراین، هرگاه این جمله را بشکافیم، بسیاری از آداب مربوط به این بحث در آن خلاصه شده است، مفهومی این است: فریاد نکشید، در را محکم نکوبید، با عبارات خشک و زننده اجازه نگیرید و به هنگامی که اجازه داده شد، بدون سلام وارد نشوید؛ سلامی که نشانه صلح و صفا و پیام‌آور محبت و دوستی است.

در مجمع البیان ذیل آیه ۲۸ آمده است: به هیچ وجه نمی‌توان داخل خانه غیر شد؛ اعم از اینکه صاحب خانه در خانه باشد یا نباشد، مگر اینکه اجازه داده شده باشد. حتی جایز نیست به داخل خانه نگاه کند تا بداند که کسی در آن هست یا نیست، مگر اینکه در خانه باز باشد.

آیات دیگری که می‌توان در بحث حاضر بدان استشهاد کرد، آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور می‌باشد: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»؛ رسول ما، مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشانند».

حداقل نکته‌ای که از آیات یاد شده در سوره نور برداشت می‌شود آن است که زن و مرد حتی در محیط کار و نمی‌توانند نگاه یله، رها و آزاد به یکدیگر داشته باشند، چه رسد که به منازل یکدیگر سرک بکشند و یا جسم یکدیگر را در شرایط نامناسب و خاص، نگاه کنند. در اینجا نیز دایره حریم خصوصی افراد از حد متعارف و متداول در جهان امروز فراتر می‌رود و مصادیقی از نگاه اسلامی جزء حریم خصوصی به حساب می‌آیند که از نگاه غیراسلامی ممکن است حریم ممنوعه تلقی نگردد؛ مثلاً نگاه به زن نامحرم در غیر از کف و وجهین.

در سوره نور، آیه ۱۹ درباره اشاعه دادن فحشا نکته مهمی آمده که در راستای بحث قابل استفاده است. در آیه یاد شده آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ ان تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ آنان که دوست دارند در میان اهل ایمان کار منکری را اشاعه و شهرت دهند، آنها را در دنیا و آخرت عذاب دردناک خواهد بود و خدا [فتنه‌گری و دروغشان را] می‌داند و شما نمی‌دانید».

از آنجاکه در حریم خصوصی افراد، احتمال ضعف، نقص، آلودگی و غیره وجود دارد، اولاً؛ تجسس از آنها حرام است و ثانیاً؛ در صورت آگاه شدن از آنها، به هر طریق، اشاعه آن عیوب نیز مجاز نبوده و عذاب دنیوی و اخروی را به همراه دارد.

۱-۵- حق امنیت

این حق در حوزه «حقوق مخاطب» مفهومی به مراتب عام‌تر از امنیت فیزیکی و جانی می‌یابد؛ در اینجا بحث از «امنیت اطلاعات» و «امنیت روانی»، «امنیت اخلاقی»، «امنیت خانوادگی»، «امنیت آبرویی» و انواع بسیار متعدد دیگر از امنیت که مورد تهدید جدی رسانه‌های جمعی است، به میان می‌آید. «مخاطب» حق دارد که با آرامش خاطر به زندگی

اجتماعی و مواجهه با رسانه‌های جمعی پرداخته و احساس نگرانی یا ناامنی در راستای تهدید اطلاعات، زندگی خصوصی و خانوادگی، اسرار شغلی، مسائل آبرویی و غیره نداشته باشد؛ بنابراین رسانه‌ها نقش اساسی در تأمین و حفظ امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند، زیرا عامل کلیدی انتشار اطلاعات در نظام‌های اجتماعی هستند و به‌عنوان عامل اجتماعی، تأثیر قدرتمندی بر رفتار و هنجارهای اجتماعی دارند. رسانه‌ها می‌توانند مردم را با انواع خطرهایی که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کنند آشنا سازند، مراقبت‌های لازم را به آن‌ها بیاموزند و افراد را برای حفظ و تأمین امنیت ترغیب و راهنمایی کنند (عظیمی و دیگران، ۱۳۹۱). امنیت مقوله‌ای مبتنی بر وفاق، همبستگی و مشارکت مردمی است که بر اثر افزایش فرهنگ و قدرت مفاهمه جامعه به‌وجود می‌آید. ازاین‌رو رسانه‌های جمعی می‌توانند عامل قوام و استمرار آن باشند. در حقیقت رسانه‌ها برای سوق دادن سیاست‌های امنیتی انتظامی به سمت مردم و طراحی یک نظام امنیتی مشارکتی با حضور فعال همه اقشار و گروه‌های مردمی نقش اساسی دارند (لرنی و دیگران، ۱۳۸۵).

هر انسانی حق دارد در هر جا که زندگی می‌کند از امنیت کافی برخوردار باشد؛ چرا که بدون وجود امنیت جانی و مالی و غیره شکوفایی و رشد استعدادهای انسانی ممکن نیست و یکی از نعمت‌های مهم الهی، همین امنیت است (بندرچی، ۱۳۸۳) که آیات و روایات زیادی راجع به آن بیان شده است که به ذکر پاره‌ای از آنها می‌پردازیم:

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَلْفِ قُرَيْشٌ إِلَيْهِمْ رَحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَءَامَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ (سوره قريش: آیات ۱ الی ۴). از برخی روایات به دست می‌آید که این سوره در تعقیب سوره فیل بوده و آن دو را یک سوره دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۸۰). براین اساس، مضمون کلی این دو سوره این است: ما جریان شکست اصحاب فیل را پیش آوردیم تا قریشیان به حمایت و دفاع ما از شهر مکه و خانه خود مطمئن شوند و آنان که در پناه ما جای گرفته‌اند، احساس آرامش کنند و گردهم جمع شوند و زمستان و تابستان برای کار تجارت به یمن و شام کوچ کنند. آنان باید به پاس این نعمت، پروردگار این خانه را پرستش کنند. همان خدایی که زمینه شکوفایی اقتصادی آنان را فراهم ساخت و از گرسنگی نجاتشان داد و احساس ناامنی آنان را

تبدیل به امنیت کرد. باز قرآن کریم موضوع امنیت را به عنوان امنیتی بزرگ بر مؤمنان تحت ستم و آزار کافران یاد کرده و می‌فرماید: «وَ اذْكُرُواْ اِذْ اُنْتُمْ قَلِيْلٌ مُّسْتَضْعَفُوْنَ فِى الْاَرْضِ تَخَافُوْنَ اَنْ يَّخَطَفَكُمْ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَاَرْزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ» به یاد آورید روزگاری را که گروهی اندک بودید و در زمین به استضعاف کشانده شده بودید و از اینکه مردمان شما را ربوده و آزار دهند، در ترس و وحشت به سر می‌بردید، سپس خداوند پناهتان داد و با نصرت خود یاری‌تان کرد و از پاکیزه‌ها روزی‌تان ساخت، شاید سپاس بگذارید» (سوره انفال: آیه ۲۶).

در این آیه موضوع امنیت پیش از اقتصاد و امور معیشتی مطرح شده، ولی در سوره ایلاف امر معیشت پیش از آن آمده است. شاید بتوان گفت اگر امنیت در حوزه مسائل داخلی منظور باشد، اقتصاد و اصلاح امر معیشت از پایه‌های امنیت داخلی و مقدم بر آن است؛ زیرا جرم و جنایت از صاحبان شکم‌های گرسنه، کاری دور از انتظار نیست. مطابق حدیثی از نبی اکرم: «كاد الفقر ان يكون كفرا؛ فقر انسان را تا مرحله کفر نزدیک می‌کند» (قمی، ۱۴۱۶ق). ناامنی محیط مکه پیش از اسلام، بیشتر داخلی و بر اثر گرسنگی و فقر بود و همین امر بود که قبایل مختلف را به قتل و غارت یکدیگر وادار می‌کرد. اگر امنیت در حوزه تهدیدهای خارجی مورد نظر باشد، وضعیت معیشت مردم، چندان در آن تعیین‌کننده نیست، بلکه وجود امنیت و نبود تهدید خارجی، تأمین‌کننده زمینه مساعد برای رشد و شکوفایی اقتصادی و مقدم بر آن است (موسوی کاشمری، ۱۳۸۱).

همچنین در آیه ۵۵ سوره نور بیان شده است که: «وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا مِنْكُمْ وَاَعْمَلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِى الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِيْنََهُمُ الَّذِى ارْتَضٰى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْۢ بَعْدِ خَوْفِهِمْ اَمْنًا يَعْبُدُوْنَنىْ لَا يُشْرِكُوْنَ بىْ شَيْئًا وَاَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ» خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان‌گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند،

(آن‌چنان) که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسق‌اند».

مفسران در اینکه آیه درباره چه کسانی است و از کدام حکومت سخن می‌گوید، سخنان فراوانی به میان آورده‌اند. بعضی، آن را درباره اصحاب پیامبر اسلام می‌دانند و برآنند که تحقق وعده آیه، یعنی حکمرانی مؤمنان بر روی زمین، همان قدرت و شوکتی است که اسلام بعد از رحلت پیامبر اکرم در ایام خلفای راشدین به‌دست آورد. برخی دیگر، آیه را شامل تمام امت پیامبر اکرم می‌دانند و منظور از حکمرانی را قدرت گرفتن دین اسلام و ایجاد امنیت برای مسلمانان یا حکمرانی خلفای اسلامی بعد از پیامبر و شکست دشمنان اسلام که پس از آن حضرت با پیروزی‌های گوناگون مسلمانان صورت گرفت، می‌دانند. بسیاری از مفسران اما بر اساس روایات متواتری که از امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) نقل شده معتقدند که منظور از این وعده الهی، حکومت جهانی اسلام است که به دست حضرت مهدی تشکیل خواهد شد و جهان به همت آن جناب از عدل پُر می‌شود؛ همان‌گونه که از ظلم پُر شده است. در میان نظرات مفسران درباره این آیه، نظر آخر از همه درست‌تر است؛ چرا که اگر در این آیه، آن‌طور که سزاوار است، تدبیر شود، به این نتیجه می‌رسیم که چنین جامعه پاک و پاکیزه‌ای، با چنین صفات ارزشمند و مقدسی که این آیه وصف کرده، از زمان بعثت پیامبر اکرم تا روزگار ما تشکیل نشده است. خداوند در این آیه به مؤمنان نیکوکار وعده داده که به‌زودی جامعه‌ای بر ایشان پدید می‌آورد که به تمام معنی صالح باشد و از لکه ننگ کفر و نفاق و فسق پاک باشد و در عقاید و اعمال افراد آن جامعه چیزی جز دین حق حاکم نباشد، با امنیت زندگی کنند و از دشمن داخلی یا خارجی ترس نداشته باشند. آری، اگر این جامعه مصداقی داشته باشد - که طبق وعده خدا حتماً دارد - در روزگار ظهور مهدی (علیه‌السلام) خواهد بود؛ زیرا روایات متواتری از پیامبر و امامان اهل بیت درباره تشکیل چنین جامعه‌ای نقل شده که با مفاد این آیه انطباق‌پذیر است. از امام سجاد (علیه‌السلام) روایت شده که وقتی این آیه را تلاوت کرد، فرمود: «به خدا سوگند، ایشان شیعیان ما اهل بیت‌اند که خدا این وعده خود را در حق ایشان به‌وسیله مردی از ما عملی خواهد کرد و او مهدی این امت است، کسی

که پیامبر خدا درباره‌اش فرموده است: «اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را آنقدر طولانی می‌کند تا مردی هم‌نام من از خاندانم قیام کند و زمین را پُر از عدل و داد می‌کند؛ چنان که از ظلم و جور پُر شده باشد».

علاوه بر قرآن کریم، احادیث ائمه اطهار نیز در باب امنیت راهگشا می‌باشند. حضرت علی (علیه‌السلام) تأمین امنیت در جامعه را از انگیزه‌های قیام صالحین و اهداف عالیه امام می‌داند: «خدایا تو می‌دانی آنچه از ما رفت نه به‌خاطر رغبت در قدرت بود و نه از دنیای ناچیز خواستن زیادت؛ بلکه می‌خواستیم نشانه‌های دین را به جایی که بود، بنشانیم و اصلاح را در شهرهای ظاهر گردانیم، تا بندگان ستمدیده‌ات را ایمنی فراهم آید و حدود ضایع مانده‌ات اجرا گردد» (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۴۱). نیز در عهدنامه مالک اشتر، ضمن تأکید بر انعقاد پیمان‌های صلح برای تأمین امنیت، پیشگیری از عوامل تهدیدکننده امنیت را نشان می‌دهد: «و از صلحی که دشمن، تو را بدان خواند و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند. و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند. زنه‌ار! زنه‌ار! از دشمن خود پس از آشتی بهره‌یز که چه‌بسا دشمن به نزدیکی گراید تا غفلتی یابد و کمین خود بگشاید.... پس دوراندیش شو و به راه خوش گمانی مرو» (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

اصولاً اسلام هر نوع ایجاد وحشت و هراس را در درون انسان‌هایی که مرتکب خلافی نشده‌اند، ظلم و تجاوزی بس بزرگ تلقی می‌کند. امنیت جان و مال و عمل و حقوق و آزادی‌های مربوط به شخصیت و شرف و حیثیت و مسکن، از تأکیدات اسلام است؛ ضمن اینکه امنیت در اسلام، اختصاص به صالحان و افرادی دارد که مرتکب خلافی نشده و در مسیر انجام وظیفه‌اند و در مقام احترام به قانون هستند. و اما آنها که در مسیر خلافند و یا مرتکب بزه و جرم شده‌اند، به دلیل ماهیت عملکردشان، از حق امنیت محرومند (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۶).

درنهایت باید گفت که این جمله مشهور است که: «نعمتان مکفورتان الامن و العافیه؛ دو نعمت است که قدرشان شناخته نشده و آن دو عبارتند از سلامتی و امنیت». در تتبعی که صورت گرفت، گرچه نتوانستیم برای این کلام مدرکی که حاکی از حدیث بودن آن

باشد و به معصومی مستند شود، دست یابیم، ولی کلامی است مشهور و بر فرض که حدیث هم نباشد، برگرفته از مضامین احادیث و حداقل بیانگر نوع نگرش مؤمن در فرهنگ اسلامی به موضوع امنیت است. اقتضای تحقیق در مورد این کلام، این است که اگر مقصود از مجهول بودن، جهل به ارزش آن دو باشد، در این صورت اسناد کلمه «مجهولتان» به «نعمتان» مجاز خواهد بوده، درحالی که اسناد مجازی خلاف اصل در محاورات است و بنای عقلا در استعمال‌های واژه‌ها و نسبت‌ها بر استعمال حقیقی است؛ بنابراین، مطابق این روایت، خود این دو نعمت مجهول‌اند. با این بیان که: علم بر دو گونه است، تفصیلی و اجمالی. علم تفصیلی این است که حقیقتی با تمام ابعادش برای انسان روشن باشد، برخلاف علم اجمالی که در مورد آن حقیقت جای گرفته در ذهن، مورد غفلت بوده و در برابر دید مستقیم آن، آشکار و روشن نباشد. پزشکان می‌گویند نشانه سلامتی یک عضو آن است که انسان به وجود آن در خود توجه نداشته باشد. وقتی آن عضو به درد می‌آید وجود آن را احساس می‌کند و همین احساس، نشانه مریضی اوست. پس انسان گرچه به‌طور اجمالی می‌داند که مثلاً دارای معده، کلیه، قلب، مثانه و.... می‌باشد ولی نگاه تفصیلی به آن نداشته و از آن غافل است، وقتی از ناحیه آن عضو احساس درد و رنج می‌کند وجود آن را در خود احساس می‌کند. صحت و امنیت از همین مقوله‌اند؛ زیرا اگرچه انسان در حال سلامتی و امنیت اجمالاً به آن واقف است، ولی این دانستن غالباً در هاله‌ای از غفلت و بی‌خبری و در نوعی از جهل پنهان می‌ماند. انسان از دو راه به وجود و ارزش فوق‌العاده آن به‌روشنی پی می‌برد. یکی از باب «تعرف الاشياء باضدادها» وقتی به ضد آن گرفتار می‌شود، و دیگری زمانی که با تلقین و تبلیغ و توجه دادن مستمر، به وجود و حضور آن متوجه شود. عدم توجه کافی به این دو نعمت گرانبها خسارت سنگینی بر جامعه در پی دارد؛ زیرا بی‌اطلاعی و احساس نکردن نعمتی موجب می‌شود تا جامعه نسبت به آفات و عوامل مخل و مزاحم آن حساسیت لازم را نداشته باشد و در پاسداری از آن سستی به خرج دهد. این بی‌توجهی و عدم مراقبت، خود نوعی ناسپاسی در برابر نعمت خداوندی محسوب شده و موجبات سلب و یا تضعیف آن را فراهم خواهد ساخت. توجه به آیات و روایات بیان شده می‌رساند که

اسلام از یکطرف وجود امنیت را در داخل بلاد اسلامی و حتی در درون فرد مسلمان ضروری می‌داند و از سوی دیگر، به جنبه خارجی امنیت در سرزمین‌های اسلامی توجه دارد و در همین راستاست که مسلمانان را از مداخله و سازش با دشمن برحذر می‌دارد و در عین حال، به انعقاد پیمان‌های صلح عادلانه با دشمن تأکید می‌نماید. از دیدگاه اسلام، حفظ و تأمین امنیت از وظایف حکومت اسلامی است، به‌طوری‌که حضرت علی (علیه السلام) وظیفه حکومت را سه چیز اعلام می‌دارد:

اصلاح اهل: اصلاح اهل یعنی، ترقی و تعالی انسان‌ها و نسل‌های آدمی که تکامل استعداد‌های نهفته در هر انسان، در زمره این وظیفه می‌باشد.

عمران بلاد: عمران بلاد یعنی، توسعه و ترقی عمدتاً مادی سرزمین اسلامی را مورد توجه قرار می‌دهد.

حفظ ثغور: حفظ ثغور یعنی، حفظ مرزهای کشور است. با توجه به مضمون روایت فوق، در حقیقت، روابط بین‌المللی وسیله‌ای در تحکیم و حفظ ثغور سرزمین است و مسئولین بخش‌های دیگر اجرایی در اصلاح اهل و عمران بلاد مسئولیت خود را باید همگام با برنامه حفظ شوؤن و ثغور بین‌المللی کشور اسلامی ایفاء نمایند (شمس اردکانی، ۱۳۶۵). بنابر مباحث گفته شده مبنی بر اینکه حکومت حافظ امنیت مردم است، لذا از آن‌جا که رسانه‌های جمعی نیز به‌عنوان یک سازمان در ساختار حکومت فعالیت می‌کنند، به‌التبع آن باید حافظ و تأمین‌کننده امنیت برای مخاطب خود باشند.

۲- نگاهی از منظر فقه بر حقوق خاص مخاطبان

پس از بررسی فقهی حقوق مربوط به مخاطبان عام رسانه، اینک به بررسی فقهی حقوق مخاطبان خاص رسانه پرداخته و دو مورد اصلی و شایع آن یعنی زنان و کودکان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۲-۱- حقوق خاص کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان در روند رشد و بلوغ و پس از آن برای ورود به جامعه دارای

نیازهای اساسی هستند که چنانچه به نیازهای واقعی آنان در دوران کودکی و نوجوانی توجه نشود چه بسا خسارت‌های غیرقابل جبرانی بر جامعه تحمیل خواهد شد. درواقع این نیازها از حقوق کودکان به‌شمار می‌آید که باید بدان توجه نمود (حیدری، ۱۳۸۷). کودک و رسانه به دلایل فراوان، ارتباطی دو سویه، مستمر و مؤثر دارند؛ به این معنی که هم کودکان از جدی‌ترین علاقه‌مندان و متقاضیان رسانه‌های نوین، خصوصاً تلویزیون هستند و هم رسانه‌ها تمایل شدید به سرمایه‌گذاری برای تولید برنامه‌های کودک و نوجوان و جذب نسل‌های جدید دارند. به‌گونه‌ای که مطالعات نشان می‌دهند کودکان و نوجوانان یکی از اهداف عمده برای مسئولان زمان‌بندی پخش برنامه‌های تلویزیونی هستند و تقریباً در تمام نقاط جهان صرف هزینه و ساعات پخش برای کودکان در حال افزایش است (کارلسون، ۱۳۸۰).

آنچه که از مفاهیم اسلامی و آیات قرآن کریم و روایت‌های پیامبر مکرم اسلام و سیره ائمه معصومین برمی‌آید، این است که کودک دارای عواطف لطیف اخلاقی است که در بستر زمان به‌صورت مرحله‌ای و گام‌به‌گام شکل گرفته و به شکوفایی و رشد می‌رسد. این رشد نیازمند محیط آموزش و پرورش سالم و مناسب است (چه آموزش و پرورش سنتی و چه نوین) تا به‌تدریج از بالقوه به بالفعل درآید. همچنان‌که بدن کودک برای سالم ماندن به انواع غذاها نیازمند است، برای رشد فکری او نیز باید بستر و محیط را آماده نمود و اسباب و لوازم مناسب را در جهت حصول به این نتایج مهیا کرد. علی‌رغم اینکه مکتب اسلام حقوق کودک را با ویژگی‌های گسترده نگاه می‌کند و نگاه ژرفی را در مواجهه با شخصیت کودک در نظر می‌گیرد، ولی باید توجه داشت که در شرایط مختلف و برداشت‌های غلط یا تفاسیر نامناسب از برخی واژه‌ها یا مفاهیم، سبب شده از نیت‌های معصومانه کودکان سوءاستفاده شده و شاهد مصائب زیادی بر آنان را نظارگر باشیم.

وقتی خداوند یا قانون الهی که توسط پیامبران و اولیاء خداوند تشریح می‌گردد و یا قانونی که توسط حکومت وضع می‌شود، انجام کاری را اجازه داده و یا آن را منع نکرده باشد، کودک و یا نوجوان حق دارد از آن بهره‌مند شده و آن را انجام دهد؛ مثل حق زندگی، حق دانایی (از طریق تحصیل) یا حق تفکر یا حتی حق بازی که نقش اساسی در

خلاقیت کودکان ایفا می‌نماید. با توسعه جوامع، کودکان حقوق دیگری دارا شدند، مانند حق داشتن هویت، تابعیت، داشتن خانواده، رفاه اجتماعی، آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت)، آزادی فکر، تصمیم‌گیری و غیره. البته این مباحث منحصر به دین اسلام نیست، بلکه همه ادیان الهی بر آن تأکید دارند اسلام نیز با گستردگی آن را بیان نموده است.

پیامبر اکرم کراراً در روایات خود با استناد به آیات قرآنی تأکید دارد، کودکان حقوق مسلمی را دارا هستند که می‌بایست بدان‌ها توجه نموده و به نحو شایسته به آنان پاسخ داد. حتی در احترام به حقوق کودکان و نقش مهم آن در تربیت فکری، در وقت ادای نماز که آنان به بازی مشغول بودند ممانعت نمی‌کرد و آن را جزئی از حقوق کودک معرفی می‌نمود (کلینی، ۱۳۶۵). یکی از رفتارهای زیبای رسول اکرم سلام کردن به کودکان بود. او به کودکان احترام می‌گذاشت و خواهان آن بود که کودکان در محیط اجتماع وارد شوند. انس بن مالک می‌گوید: پیامبر اکرم در راهی با چند کودک خردسال مواجه شد و به آنان سلام کرد و غذا داد. ایشان همچنین هر روز صبح بر سر فرزندان و نوه‌هایشان دست نوازش می‌کشیدند. در روایتی از پیامبر اکرم آمده است: «دل کودک و نوجوان به مثابه زمینی مستعد است که آنچه کاشته شود همان درو خواهد شد» (شیروانی، ۱۳۸۵).

شخصیت کودک با احترام گذاشتن به او در حضور مردم بهتر تقویت می‌شود. پیامبر به این‌وسیله روش صحیح پرورش کودک را به مردم می‌آموخت. به این جهت ایشان سفارش زیادی به بوسیدن فرزند دارد و فرمود: کسی که فرزند خود را ببوسد خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد و کسی که فرزند خود را خوشحال کند، خداوند نیز روز قیامت او را خوشحال می‌کند.

در روایات دینی بر ضرورت توجه به نشاط، تحرک و بازی‌های کودکان، به‌ویژه در هفت سال نخست زندگی و تقدم زمانی آن بر آموزش سواد و احکام مذهبی تأکید شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق). رسول خدا در سخنی مردم را به ورزش و تربیت بدنی چنین تشویق فرموده است: «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّباحَةَ وَ الرَّمَايَةَ؛ به فرزندان‌تان شنا و تیراندازی بیاموزید». چنان‌که نزد روان‌شناسان و دانشمندان علوم تربیتی مشهور است، سلامت جسمی تأثیر روشنی بر سلامت روانی دارد (صلیبی، ۱۴۰۴ق).

این همه در حالی است که خو گرفتن آنان به برنامه‌های تلویزیونی و اخیراً بازی‌های رایانه‌ای از تحرک جسمانی کودکان کاسته و آنان را از بازی با همگنان خود محروم ساخته است. دیرخوابی، کاهش میزان استراحت و ورزش، چاقی، تنبلی و تن‌پروری از آسیب‌های جسمی و رفتاری است که در صورت افراط اطفال در استفاده از رسانه‌های دیداری، می‌توان انتظار داشت (اسماعیلی، ۱۳۸۲).

به تعبیر حضرت علی نیز: «قلب نونهالان همانند زمین کاشته نشده، آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود»؛ به همین جهت است که از نظر ایشان و دیگر پیشوایان و راهنمایان دینی شتاب، حساسیت و دقت در آموزش و تربیت اطفال از حقوق آنان و از تکالیف پدران و مادران است. حضرت علی در نامه‌ای طولانی و سرشار از نکته‌های تربیتی و انسان‌ساز خطاب به فرزند گرامی خود و پس از اشاره به تأثیرپذیری کودکان و تشبیهی که ذکر شد، بلافاصله می‌افزایند: «پس در تربیت تو شتاب کردم، پیش از آنکه دل تو سخت شود و ذهن تو به چیز دیگری مشغول گردد و در ابتدای این راه تصمیم گرفتم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه با تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم». نکته جالب توجه دیگر آن است که در ادامه این گفتار که در حقیقت دیباچه منشور تربیتی و آموزشی پدری مهربان و دانا به‌شمار می‌رود، امام علی به هراس خود از روبرو شدن فرزند نوپای خویش با پیام‌آفرینان مغرض و گوناگونی اشاره می‌کند که ممکن است با هجوم خود به فضای ذهن و اندیشه او، حقیقت را مشتبه سازند؛ «از آن ترسیدم که مبادا خواسته‌های نفسانی و نظریاتی که مردم را دچار اختلاف و گمراهی کرد و کار را بر آنان شبهه‌ناک ساخت، به تو نیز هجوم آورد. گرچه آگاه کردن تو را نسبت به این امور خوش نداشتم، اما آگاه شدن و استوار ماندن را ترجیح دادم تا دچار هلاکت‌های اجتماعی نگردی» (نهج‌البلاغه: نامه ۳۱).

بنابر آنچه که در مورد حقوق کودکان در روایات متعدد بیان کردیم و از آنجایی که رسانه‌ها و کودکان با هم ارتباطی دو سویه دارند، لذا برای تنظیم رابطه کودک و رسانه و حمایت از حقوق اطفال در این زمینه، تدوین سیاست‌ها و برنامه همه‌جانبه و هماهنگی

که خانه، مدرسه و جامعه را دربرگیرد، ضروری است و البته این گفته به معنای نادیده گرفتن نیازها و بایسته‌های حقوقی نیست. بدون تردید تصویب قانون نیز برای اطمینان از اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مدون الزامی است. این قوانین در مرحله نخست باید ناظر به چگونگی فعالیت‌های رسانه‌ای و تعیین معیارها و ضوابط تولید باشد و در مرحله بعد با تبیین حقوق کودک در این عرصه، زمینه‌ساز دفاع قانونی از آنان گردد.

۲-۲- حقوق خاص زنان

تقسیم‌بندی جنسیتی زمانی اهمیت و ضرورت می‌یابد که خصوصاً در بحث تبلیغات، روش‌های جذب مخاطب، روش‌های اقناعی، ساختارهای تحریکی و تهییجی، نگاه‌های زیبایی‌شناختی، سوءاستفاده‌های جنسیتی از اندام و نگاه‌های زنانه و غیره با واقعیت‌های موجود در رسانه‌های نوین دنیای امروز مواجه شویم. در مواردی که استفاده ابزاری از زنان، در راستای اهداف اغلب اقتصادی و منفعت‌طلبانه صاحبان رسانه‌ها، گاه به عنوان اصلی مسلم و مقبول، مفروض است (حسینی/سفیدواجانی، ۱۳۹۱). از آنجایی که تمام خلیقات، منش و چهارچوب شخصیت یک فرد از کودکی در خانواده انسجام‌یافته و شکل می‌گیرد، بخشی از حفاظت و کیاست از حریم این نهاد بر عهده نظام‌های حکومتی است. در کشور ما زن مظهر خلاقیت خداوند و عنصر اساسی در تشکیل خانواده در طول قرون و در مکاتب و مسلک‌ها و جوامع مختلف، از نظر مقام و موقعیت و معرفی هویت، همواره فرازونشیب‌هایی را طی کرده است. گاهی تا حد یک کالا تنزل‌یافته و گاهی نیز از آن به عنوان «آیت» الهی یاد شده است. در قرآن، احادیث و روایات مختلف از امامان و رهبران دینی نیز بر نقش محوری و جایگاه والای زن در تمامی مرحله‌های زندگی تأکید شده است (بیات، ۱۳۸۸). روشن است که تبیین کلی جایگاه زن در نگاه اسلامی بحث مفصلی است و در این پایان مجال پرداختن به همه آن وجود ندارد، به همین جهت به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- برابری زن و مرد در کرامت ذاتی

قرآن کریم در داشتن کرامت ذاتی، هیچ فرقی بین مرد و زن نمی‌گذارد، بلکه به طور مطلق

می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم» (سوره اسراء: آیه ۷۰). عبارت «بنی آدم» تصریح در نوع انسان است که به مرد و زن به صورت تساوی اطلاق می‌گردد. در نگاه قرآنی، انسان چه زن و چه مرد، در میان همه مخلوقات عالم در بهترین شکل از نظر صورت و سیرت آفریده شده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ هر آینه انسان را در بهترین صورت ممکن آفریدیم» (سوره تین، آیه ۴).

۲- توصیه ویژه در مورد نقش همسری و مادری زنان

زن از نظر اسلام امانت خدا در دست شوهر و از نظر دخالت در امور زندگی شریک مرد و از نظر تربیت فرزندان مادر خانواده است. قرآن کریم در موارد مختلف بر داشتن رفتاری نیکو با زنان تأکید دارد: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ با آنها با نیکی رفتار و زندگی کنید» (سوره نساء: آیه ۱۹). و حتی در مواقعی همچون جدایی نیز رعایت این مسئله را ضروری می‌داند (سوره طلاق: آیه ۲). معروف همان چیزی است که متضمن هدایت عقل و حکم شرع به فضیلت و محاسن خلق نیکو و داشتن رفتار پسندیده در عواطف و احساسات و ادای حقوق و تأمین نیازهای زندگی است (طبرسی، ۱۳۸۰).

در روایات نیز مردان به نیکی کردن و حسن معاشرت با همسرانشان سفارش شده‌اند. حضرت صادق (علیه السلام) از پدرش نقل کرده که فرمود: «مَنْ اتَّخَذَ امْرَأَةً فَلْيُكْرِمْهَا؛ هرکس زن گرفت، باید او را گرامی دارد و به او احترام کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق). سیره عملی پیامبر اسلام نیز نشان می‌دهد که ایشان در نهایت احترام با زنان، به ویژه دختر گرامیشان و همسرانشان رفتار می‌کردند. در قرآن کریم بر نقش مادر و زحمات او در دوران حمل و پرورش فرزند نیز تأکید جداگانه‌ای صورت گرفته است.

امام خمینی نیز مقام و شخصیت حقیقی زن را باور داشت و با تمام وجود برای ظهور و بروز آن تلاش می‌نمود و می‌گفت: «زن مظهر تحقق آمال بشر است، زن پرورش‌دهنده زنان و مردان ارجمند است. از دامن زن مرد به معراج می‌رود. سعادت و شقاوت کشور بسته به وجود زن است» (بیات، ۱۳۸۸).

لذا با توجه به توصیه فراوان آیات و روایات به نقش همسری و مادری زنان، از این رو تلاش رسانه ملی باید در جهت ارائه الگوهای رسانه‌ای و هنری در جهت تکریم نقش

همسری و مادری زنان با هدف توسعه و تقویت آن باشد. ضمن آنکه تخریب نقش همسری و مادری زنان نیز نباید به هیچ بهانه‌ای دستمایه برنامه‌سازی قرار گیرد. همچنین رسانه ملی با استفاده از کارکرد الگودهی می‌تواند تصویر مناسب از حضور زنان در خانه را نمایش دهد و امتیازهای این مسئله را تبیین و نقش ارزشمند همسری زن را در رشد همدلی و هماهنگی اعضای خانواده به تصویر بکشد (پیشواپی، ۱۳۹۲). به‌عنوان مثال نشان دهد که زنان از فرصت‌های موجود در خانه بودن بهترین استفاده را می‌برند؛ فرصت‌هایی نظیر آرامش محیط خانه که موجب آرامش‌خاطر همسر و فرزندان می‌شود، انجام مدبرانه امور خانه، وقت کافی برای عبادت و ذکر، وقت کافی برای مطالعه و تفکر، وقت کافی برای تربیت لحظه‌به‌لحظه فرزندان، توجه دائمی به تغییرات روحی و روانی آنان و گفتگوی مفرح با آنها و درنهایت امکان مشارکت در فعالیت‌های مردمی، امداد و کمک‌رسانی مواردی است که به‌خوبی قابلیت طرح در رسانه ملی را دارند (علاسوند، ۱۳۸۹).

۳- رعایت پوشش مناسب و عفت‌ورزی در برابر نامحرمان

عفت‌ورزی و رعایت پوشش اسلامی وظیفه شرعی زن است و کرامت انسانی وی نیز در سایه آن تأمین می‌شود. از دیدگاه قرآن کریم حجاب عبارت است از یک نحوه احترام گذاردن و حرمت قائل شدن برای زن که نامحرمان او را دید حیوانی ننگرند (جوادی عاملی، ۱۳۷۷). قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَن يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا؛ ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمن بگو پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این کار برای آنکه شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند به احتیاط نزدیک‌تر است». در این آیه شریفه علت و فلسفه ضرورت حجاب، شناخته نشدن و در امان ماندن از آزار و اذیت بیان می‌شود (سوره احزاب: آیه ۵۹).

بحث و نتیجه‌گیری

شناخت مخاطب به‌درستی، امکان تأثیرگذاری رسانه را واقعی‌تر می‌کند تا به بیابانی در تاریکی قدم نگذارد. رسانه با این شناخت می‌فهمد از چه موضوع یا موضوع‌هایی باید سخن بگوید و این موضوع‌ها را در چه سطحی بیان کند. بعد از این مرحله است که رسانه و مخاطب تشخیص می‌دهند می‌توانند و می‌خواهند با هم بمانند یا نه. انسان به‌منظور انجام فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود نیاز به اطلاعاتی دارد که محیط زندگی او را احاطه کرده است که در این میان رسانه‌های گروهی نقش مهمی را بر عهده دارند و با نشر پیام در طیف وسیع و گسترده، مخاطبان خود را در جریان اتفاق‌هایی که در اطراف او به‌وقوع می‌پیوندد، قرار می‌دهند. رسانه‌ها با همه اجزاء و بخش‌های جامعه ارتباط مستمر و دائمی دارند و از این جهت نمی‌توانند عرف‌های جامعه را نادیده بگیرند. رسانه‌ها می‌توانند ایجاد تحول کنند، اما این تحول باید در چهارچوب قانونی انجام گیرد. یکی از اموری که در زمره نقض حقوق مخاطب محسوب می‌شود، تهمت و افترا است. افترا از آن جهت در حقوق رسانه‌ها اهمیت یافته است که رسانه با حضور گسترده مخاطبان خود، از طریق افترا می‌تواند حیثیت اجتماعی افراد را به‌گونه‌ای خدشه‌دار سازد که جبران آن بسیار دشوار باشد. انعکاس درست اخبار و برآورده کردن تمامی نیازهای مخاطبان، در کنار تولید برنامه‌های خوب و حرفه‌ای و بدون سانسور، نیز جزء حقوق اصلی مخاطبان به‌شمار می‌رود. ضرورت حفظ و در مصونیت قرار دادن حریم خصوصی افراد و عدم افشای اسرار و مسائل خصوصی آنها یکی از اساسی‌ترین حقوق مخاطبان رسانه‌ها است که با پیدایش رسانه‌های نوین و پیشرفت فناوری‌های متعدد، این حق با تهدید بسیار جدی مواجه است؛ بنابراین بحث حرمت حریم خصوصی در تمامی دنیا یک امر بدیهی در مقام نظر، ولی بسیار صعب‌الوصول در مقام عمل، تلقی می‌شود. در زمان ما که تنوع و قدرت رسانه یکی از بارزترین مشخصه‌های آن است، سخن از تأثیر رسانه‌ها بر امنیت ناشناخته یا دشوار نیست. رسانه‌ها نقش اساسی در تأمین و حفظ امنیت اجتماعی ایفا می‌کنند؛ زیرا عامل کلیدی انتشار اطلاعات در نظام‌های اجتماعی هستند. رسانه‌ها، می‌توانند مردم را با انواع خطرهایی که امنیت اجتماعی را تهدید می‌کنند،

آشنا سازند. یکی دیگر از حقوق مخاطب رسانه، این است که مخاطب می‌تواند از مطالب منتشر شده توسط رسانه، شکایت کرده و رسانه نیز موظف به پاسخگویی و تبیین رویکرد و نظر و اقدام خود است، یا اینکه به اشتباه خود اعتراف کرده و نسبت به تصحیح خطای خود اقدام می‌کند و در صورت تقصیر ضامن جبران خسارت مادی و معنوی بوده و در هر حال مکلف به اعاده حیثیت متهم است.

پیشنهادهای

۱- تدوین یک نظام‌نامه قانونی در مورد حقوق مخاطبان برای تمامی رسانه‌های چاپی، دیجیتالی و دیداری - شنیداری، در کنار فراهم کردن ضمانت اجرایی آن‌ها، از جمله راهکارهای مهمی است که در جهت ملزم کردن رسانه‌ها به رعایت مخاطبان‌شان ضروری است.

۲- افزایش سواد رسانه‌ای و آموزش حقوق مخاطبان، به خود مخاطبان نیز یکی از راهکارهای پیشنهادی است، چرا که سطح سواد رسانه‌ای یک جامعه مهم‌ترین عاملی است که افراد را در مواجهه با رسانه‌ها در حالت انتخاب قرار می‌دهد و درک سواد رسانه‌ای موجب می‌شود که مخاطبان رسانه‌ها، با توانایی درک پیام‌های رسانه‌ای، به تعبیر و تفسیر آنها پرداخته و از وضعیت مصرف‌کننده منفعل به مصرف‌کننده هوشیار و انتقادی رسانه‌ها تبدیل شوند.

۳- عدم القای ترس و واهمه از حاکمیت نیز از جمله راهکارهای دیگر در این زمینه است، چرا که از طرفی اگر حاکمیت سیاسی بخواهد از کار یک رسانه جلوگیری کند، آن رسانه در کار خودش موفق نمی‌شود. به همین جهت، نخست باید در قانون، تضمین‌های کافی جهت رعایت امنیت و منافع ملی (که حاکمیت‌ها در برخورد با رسانه‌ها بدان متمسک می‌شوند) وجود داشته باشد و از طرف دیگر نیز باید رسانه‌ها حریم حاکمیت سیاسی (مثل اسرار محرمانه دولتی) را رعایت کنند و برای تخلف از آن مجازات‌هایی در نظر گرفته شود.

۴- نیازسنجی مخاطبان را می‌توان از جمله راهکارهای بهبود وضعیت توجه به حقوق مخاطبان رسانه‌ها در کشور عنوان کرد، چرا که رسانه‌ها معمولاً تمایل دارند که خود روند ادامه حیاتشان را تعیین کنند، در صورتی که اعلام نظر مردم، آنها را به تغییر سیاست‌هایشان وادار خواهد کرد.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

اسماعیلی، محسن (۱۳۸۲)، «جایگاه حقوقی رسالت رسانه‌ها»، پژوهش، سال دهم، شماره ۳۵.
بسته‌نگار، محمد (۱۳۲۴)، «آزادی عقیده زیباترین تجلی حقوق بشر»، نشریه جمهوری، شهریور ۱۳۲۴ ش.

بندرچی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «حقوق شهروندی در حقوق اساسی ایران»، مجله دادرسی، شماره ۴۶.

بیات، لیلا (۱۳۸۸)، «رسانه و حمایت از حقوق زنان»، هفته‌نامه ایران‌دخت، آذر ۱۳۸۸ ش.
پیشوایی، فریده (۱۳۹۲)، «رسانه ملی و کرامت اسلامی زن»، فصلنامه رسانه و خانواده، سال ۷ (پیاپی ۴۳).

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۳۷)، غرر الحکم؛ ترجمه محمد علی انصاری (قمی)، تهران: محمد علی الانصاری القمی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷)، زن در آینه جمال و جلال، قم: اسراء.

جواهری، محمدرضا (۱۳۸۶)، «مبانی عقلی حکم امام خمینی بر اعلام سلمان رشدی»، روزنامه جمهوری اسلامی، بهمن ۱۳۸۶ ش.

حراملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: آل بیت.

حسینی اسفیدواجانی، سیدبشیر (۱۳۹۱)، حقوق مخاطب در برابر رسانه‌های جمعی ایران، انگلیس و آمریکا، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

حیدری، علی (۱۳۸۷)، تحول حقوق کودک در اسلام و مقایسه آن با کنوانسیون حقوق کودک، بی‌جا: مرکز تعلیمات اسلامی واشینگتن.

خمینی، روح‌الله (۱۴۲۷ق)، *تحریر الوسیله*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

خوئینی، غفور (۱۳۸۶)، «حق آزادی عقیده در قانون و دین»، *نشریه اطلاعات*، مرداد ۱۳۸۶ ش.

دانایی، سپیده (۱۳۸۹)، «حریم خصوصی در اسلام»، نگاه ویژه، شماره ۳۵. شمس اردکانی، علی (۱۳۶۵)، «ملاحظه‌ای درباره امنیت ملی»، *مجله سیاست خارجی*، سال اول، شماره اول.

شیروانی، علی (۱۳۸۵)، *نهج الفصاحه*، بی‌جا: انتشارات دارالفکر. صلیبیا، جمیل (۱۴۰۴ق)، *علم النفس*، بیروت: دارالکتاب اللبنانی، مکتبه المدرسه. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۹)، *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰)، *مجمع البیان*؛ ترجمه و تحقیق علی کرمی، تهران: انتشارات فراهانی.

عظیمی، حسین؛ نرگس آقا جانلو و فاطمه نجفی (۱۳۹۱)، «تأثیر رسانه‌های جمعی بر ایجاد امنیت»، *فصلنامه دانش/تنظاری*، سال اول، شماره ۴.

علاسوند، فریبا (۱۳۸۹)، «رسانه و بحران نقش‌های جنسیتی در خانواده»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۱.

غفاری، علی‌اکبر و مستفید، حمیدرضا (۱۳۷۲)، *عیون اخبار الرضا*، تهران: صدوق. قمی، عباس (۱۴۱۶ق)، *سفینه البحار*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، *الکافی*؛ تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کارلسون، یولا (۱۳۸۰)، *کودکان و خشونت در رسانه‌های جمعی*؛ ترجمه مهدی شفق‌تی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعه و سنجش برنامه‌ای.

- گرامی، غلامحسین (۱۳۹۰)، «اخلاق رسانه، مقایسه منشورات جهانی با دستورهای اسلامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق، سال ۴، شماره ۱۲.
- لرنی، منوچهر و مصلحتی، حسین (۱۳۸۵)، «تأملی بر نقش کارکردی رسانه‌ها در ایجاد مشارکت مردمی و امنیت عمومی»، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۶ و ۷.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۶)، «نظام اسلامی و حریم خصوصی شهروندان»، نشریه حکومت اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۲.
- موسوی کاشمری، سیدمهدی (۱۳۸۱)، «جایگاه امنیت در نظام اسلامی»، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۲۴.
- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (۱)، «جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام و امام خمینی (ره)»، نشریه علوم سیاسی، شماره ۵.
- «اخلاق رسانه‌ای در اسلام»، روزنامه صدای عدالت، مرداد ۱۳۸۶ ش.
- قانون اساسنامه سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون خط‌مشی کلی و اصول برنامه‌های سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
- قانون مجازات اسلامی ایران.
- قانون مطبوعات ایران.